



# انترناسیونال

## ۱۳۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۲۸ آوریل ۲۰۰۶

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: حمید تقوائی

اطلاعیه برگزاری جلسه  
کمیته خارج کشور حزب

صفحه ۸

اول ماه متفاوت!

منصور ترکاشوند - ایران

صفحه ۷

”جای مرغوب“ برای زنان!

از من در مورد چه گوارا بپرسید!

کاظم نیکخواه

در حاشیه رویدادها

صفحه ۸

## به استقبال اول مه، روز جهانی کارگران برویم!

### سوسیالیسم همین امروز

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت اول مه

در اوضاع سیاسی امروز جهان، در ایتالیا و آلمان تا ایران و کره و آرژانتین برای دفاع از معیشت و حرمت خود و جامعه درگیر جنگی وسیع با بورژوازی است، یک امر بیش از هر زمان باید در صرافت مبارزه در اوضاعی که طبقه کارگر از فرانسه و واپسگرایی را نمایندگی میکند، و هرزمان تروریسم و میلیتاریسم و فقر شرايطی که سرمایه داری بیش از کارگری قرار گیرد؛ سوسیالیسم همین امروز! جهان دوره یکه تازی بازار آزاد و

صفحه ۴

## جنگ تروریستها

### جنبش سرنگونی و حزب



بخشی از گزارش سیاسی

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی

به پلنوم بیست و پنجم

حزب کمونیست کارگری ایران

جایگاهی میدهد و در این رابطه چه وظایف ویژه ای در مقابل حزب قرار میدهد.

کشمکش بر سر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی برآمد مشخصی از جنگ دو قطب تروریستی جهان ما است. این برای ما پدیده تازه ای نیست. استراتژی ما در این مورد، فراخواندن و بمیدان آوردن جهان متمدن در برابر تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی، مدتهاست که روشن است و اعلام شده است. همانطور که دیروز هم در کنگره منصور حکمت هم گفتیم اگر قرار بود امروز انترناسیونال کمونیستی تشکیل بشود استراتژییش را میتوانست به بحث دنیا پس از یازده سپتامبر منصور حکمت استوار کند. از این نظر حزب ما خط و

صفحه ۲

آنچه سه موضوع دستور پلنوم، یعنی بیانیه علیه جنگ تروریستها، قطعنامه کارگری و طرح کمپین مالی را به هم مربوط میکند وجود یک پدیده عینی و موثرسیاسی در ایران و جهان هست که حزب کمونیست کارگری ایران نامیده میشود. این پلنوم در هر سه این موضوعات در واقع درباره یک چیز صحبت میکند و آن حزب در متن مبارزه در ایران و جهان است. در متن این مبارزه کمیته مرکزی حزب گردآمده تا بگوید در مقابل جنگ تروریستها چه میکند، چه ابزارهایی میخواهد و برای تامین این ابزارها چه باید کرد و بخصوص پلنوم باید روشن کند که در مقابله با جنگ تروریستها به جنبش سرنگونی و مبارزه علیه جمهوری اسلامی چه

## بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

### در مورد کشمکش میان دولت آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی

صفحه ۴

## اطلاعیه پایانی کنگره اول منصور حکمت



### اول ماه مه، مهمترین روز ما کارگران

صفحه ۵

محمد مزرعه کار

## اولین کنگره حزب کمونیست کارگری چپ

### عراق با موفقیت در عراق پایان یافت

پیام حمید تقوائی به کنگره اول حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۶

پرچم جهان متمدن را

علیه جنگ تروریستها برافرازیم!

صفحه ۷

پیام حمید تقوائی به مناسبت اول مه

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## جنگ تروریستها ...

سیاست کاملاً روشنی دارد. من در اینجا میخواهم در مورد جوهر طبقاتی این موضوع کمی صحبت کنم و بعد به وظایف مشخص امروز بپردازم.

با شروع کشمکش بین آمریکا و جمهوری اسلامی و تهدید حمله نظامی همه گفتند این داستان آشنائی است. این سناریو را در عراق دیده ایم و در افغانستان دیده ایم و حالا میخواهند در ایران همان تجربه را تکرار کنند. همان نیروها و همان صفتی دوباره ایجاد شده و همان سناریو قرار است تکرار شود.

ولی نکته مهم اینست که این بار یک چیز کاملاً فرق میکند. جهان اگر متوجه نیست باید متوجه اش بکنیم. یک چیز اینجا فرق میکند و آن هم وجود حزب ماست. حزب ما نه بعنوان یک سازمان متشکل از تعدادی اعضا و کادرها بلکه حزب

ما بعنوان یک پدیده اجتماعی و در متن مبارزه طبقاتی هم در ایران و هم در جهان. و این فاکتوری است که همه چیز را تغییر میدهد. همه چیز را. این سناریو دیگر سناریو گذشته نیست. بازیگران دیگر فقط دو بازیکن همیشگی، دو قطب تروریستی نیستند. جهان متمدن دیگر در اپوزیسیون و گروه فشار نیست. جهان متمدن دیگر خارج از جبهه جنگ، بیرون آن و یا پشت جبهه و عاملی که از خارج کمک کند پرچی جانی بالا برود نیست. این بار در بطن این ماجرا و در خط اول آتش جهان متمدن حضور دارد.

چرا اینطور است؟ برای اینکه جامعه ایران دارد مورد حمله قرار میگیرد و ایران یعنی جامعه ای که حکومت اسلامی، یعنی مدل ارتجاعی حکومتها در کشورهای اسلامزده که در این دوره دارند در خاورمیانه بسط اش میدهند، بیست و هفت سال است آنجا حاکم است و مردم ایران مدتهاست با این حکومت در حال مبارزه اند. در ایران یک جنبش اعتراضی وسیع علیه جمهوری اسلامی در حال جریان است و حزبی در این جنبش دخیل و فعال است که کارگران جهان در برابر نظم نوین جهانی را نمایندگی میکنند. جبهه جنگ این بار در حاشیه نبردگاه اصلی بورژوازی و کارگران جهان قرار ندارد، در بطن آن است، این دو بر هم منطبق و یکی شده اند. ما اینجا نیستیم و جنگ آنجا. که اذدور فراخوان بدیهم مردم برخیزید و

مقاومت کنید، ما هم کمکتان میکنیم. خود تپه ما را دارند توپ باران میکنند. مانند دوره ای نیست که ما با حمله به عراق و یا افغانستان مواجه بودیم. این بار توپ خورده است وسط جبهه ای که مدتهاست ما در آن بعنوان پرچمدار جهان متمدن با اردوی سیاه ارتجاع جهانی در حال جنگیم. یعنی صحنه مبارزه طبقاتی در ایران.

من در پلنوم بیست و دو سعی کردم توضیح بدهم و نشان بدهم که چطور تحولات سیاسی جامعه ایران تبلور رویارویی طبقات و شکل مشخص مبارزه طبقاتی در عصر ماست. و چطور بسیاری از مسائل جهانی در ایران تعیین تکلیف میشود. (رجوع کنید به مقاله "دوره پساجنگ سرد و پولاریزاسیون طبقاتی در ایران"، انترناسیونال شماره ۸۱ ضمیمه)

اگر ما بتوانیم مساله ایران را به نفع طبقه کارگر جهانی و به نفع جهان متمدن حل کنیم این نیروهای سیاه کمپ ارتجاع جهانی از دولتهای غربی تا اسلام سیاسی و تروریسم و غیره را با کاملاً به شکست کشانده ایم و یا وسیعاً به عقب رانده ایم و کاملاً معادله را به نفع مردم دنیا عوض کرده ایم. این نکته ای است که منصور حکمت نیز در بحث آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود بر آن تاکید کرده است. منصور حکمت در سمینار خود نشان داد که پیروزی ما در ایران تأثیرات بسیار تعیین کننده ای نه فقط در خاورمیانه بلکه بر کل جهان خواهد داشت. و هر چه از آن دوره ای که منصور حکمت این بحث را مطرح کرد دورتر میشویم این تأثیر اساسی تر و مهم تر میشود. چون هم ارتجاع اسلام سیاسی دست و بال خودش را بیشتر باز کرده و مثل طاعون گسترش پیدا میکند و هم از آنطرف سیاستهای میلتراریستی و قلدنمنشی سیاسی و نظامی آمریکا حدت پیدا کرده و آمریکا توانسته یک جنگ وحشیانه را در عراق سازمان بدهد و امروز هم مشغول تدارک جنگ دیگری است. این دو نیرو در اردوگاه ارتجاع به پیش آمده اند، اما از سوی دیگر در جبهه مقابل، در کمپ انقلاب و در کمپ کارگران جهان، که یک جبهه اصلی اش ایران است، میبینیم جنبشی شکل گرفته که هر روز چپ تر و رادیکال تر میشود. و با پرچم، با سرودها، با خواستها و با شعارهای

چپ در عرصه سیاست ایران عرض اندام میکند.

بنا بر این امروز موقعیت جامعه ایران در سیاست جهانی از دو نقطه نظر تعیین کننده است. یک جنبه، موقعیت سوق الجیشی ایران است. یک جامعه هفتاد میلیونی کنار خلیج فارس در گلوگاه نفتی دنیا با یک موقعیت تعیین کننده بین اروپا و بقیه آسیا. هر تغییر و تحول سیاسی در چنین جامعه ای تأثیرات وسیع و دراز مدتی در منطقه و در سطح جهانی بدنبال خواهد داشت. و نکته دیگر واقعیت مبارزه طبقاتی در ایران است. جامعه ایران تنها جامعه ای است که در آن شهروند به معنی کسی که خواهان حقوق مدنی خود است یک اصل پذیرفته شده و یک بدیهیت سیاسی در کوچه و خیابان است. این دیگر به نظر مهم نمی آید و معمولاً این را بحساب جنبش دوازدادی و یا نافرمانی مدنی میگذارند ولی مساله بر عکس است. اگر سلطنت طلبها به نافرمانی مدنی متوسل میشوند به این خاطر است که مردم بخودشان بعنوان شهروند نگاه میکنند.

در مقایسه با خیلی از جوامع دیگر که مردم ممکن است خود را متعلق به ملیتها و اقوام و اقلیتها و مهاجرین و اهل فلان مذهب و نژاد و یا فلان ملیت تحت ستم و یا در حال گرفتن حق ملی و غیره تلقی کنند در ایران مردم علی العموم خود را شهروند میدانند. و حتی آنجائی که نیروهای ناسیونالیست عرب و یا ترک و یا کرد سعی میکنند برای مردم هویت ملی و قومی بتراشد میبینید مردم در شورشها و اعتراضات شهریشان آنها را پس میزنند. کار این نیروهای ملی - قومی نگرفته است. اخیراً تحلیلی از یکی از استراتژیستهای آمریکائی در اینترنت خواندم که میگفت شرایط ایران برای اینکه اقلیتهای ملی بتوانند نقش عمده ای بازی کنند آماده نیست. یعنی به زبان آدمیزاد نمیتوانیم اینها را بجان یکدیگر بیاندازیم و مردم براضی ملعبه دست آنها نمیشوند. نیکوگرم این اتوماتیک است و مردم خودبخود مصونیت دارند ولی نکته اینست که وقتی بلوک شرق منفجر شد در جمهوریهای بازمانده بلوک شرق روی نیروهای ملی حساب کردند و آنها را بمیدان کشیدند، در یوگسلاوی در دل اروپا این کار را کردند و در آفریقا که نسل کشی های قومی براه انداختند و در عراق و افغانستان نیز ملاحظه

سیاستهایشان همین نیروهای مذهبی - قومی - ملی است. امروز اما همان سیاستگذاران به ایران نگاه میکنند و میگویند در این جا شرایط آماده نیست. چرا این شرایط آماده نیست؟ بخاطر اینکه آن نیروی سیاسی متکی بر ناسیونالیسم و مذهب و شرفزدگی و عقب ماندگی مدتهاست در پوزیسیون و در قدرت است و در نتیجه مدرنیسم و مدنیت و بر این زمینه چپ واپسده های آزادیخواهانه و سوسیالیستی، از جمله و بخصوص به یمن حضور حزب ما، در جامعه قوی است، مقابل حکومت قرار گرفته و در اپوزیسیون دست بالا را پیدا کرده است. این همان شکاف و تناقض اساسی است که بین حکومت فوق ارتجاعی اسلامی و جامعه آزادیخواه و مدرن ایران وجود دارد. منصور حکمت در "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" به این تناقض در رابطه با موقعیت زنان در جامعه اشاره میکند اما این شکاف عمیق بین مدرنیسم و مدنیت جامعه و ارتجاع و عقب ماندگی حکومت در همه سطوح قابل مشاهده است.

این جامعه را میخواهند بکوبند. در این جامعه قرار است جنگی رخ بدهد، قرار است به آن حمله نظامی بشود، قرار است تحریم اقتصادی بشود. در این شرایط باید همچنان بر حرف همیشگی و پایه ای مان تاکید کنیم که جهان متمدن باید در برابر دو قطب تروریسم جهانی بمیدان بیاید ولی باید توجه داشته باشیم که این جهان متمدن خیلی متعین تر و مشخص تر از دوره های قبلی است. بخاطر اینکه این بار جنگ در همان جبهه ای اتفاق میافتد که یک جنبش وسیع اعتراضی با گرایش قوی به شعارها و مطالبات و سیاستهای چپ و یک حزب ذینفوذ که نماینده این شعارها و سیاستها است در آن حضور دارد. این حزب پرچمدار و سخنگو و معرف جهان متمدن است. نیروی است که از همان مقطع جنگ اول خلیج طلوع و در دنیای بعد از یازده سپتامبر پرچم جهان متمدن را در برابر دو قطب تروریستی بالا برده است. این حزب در صحنه سیاسی ایران حضور برجسته ای دارد و خود مدعی تصرف قدرت سیاسی است. این حزب در تحولات جاری جامعه دخالتگر و تأثیر گذار است. ما هیچوقت عامل مشاهده گر و صرفاً مفسر نبوده ایم که از دور مشاهده

کنیم و فقط آگاهگری کنیم. در دوره های قبل هم سیاست ما این نبود. ولی این بار فرق اساسی اینجاست که در همان جغرافیای سیاسی که میخواهیم به قدرت سیاسی برسیم و میخواهیم حاکم شویم و سوسیالیسم را برقرار کنیم، در این جامعه دو قطب تروریستی، دو نیروی سیاه در کمپ بورژوازی جهانی، به جنگ یکدیگر میروند. این جنگ مساله قدرت سیاسی در ایران را بیش از پیش عمده میکند و به یک مساله جهانی تبدیل میکند. اینجا جائی است که ما، حزب کمونیست کارگری ایران، میخواهد جمهوری سوسیالیستی را برقرار کند. این دیگر عراق نیست. افغانستان هم نیست.

اجازه بدهید از یک زاویه دیگر به مساله نگاه کنیم. اگر در دوره ای که به افغانستان حمله کردند و یا به عراق حمله کردند جنبش سرنگونی طلبانه وسیعی در ابعاد ایران در آن جوامع وجود داشت و حزبی مثل حزب ما در آنجا فعال بود و در مقطع حمله رو به دنیا میگرد و میگفت به ما کمک کنید تا حکومت را بیاندازیم سیاست ما حتماً کمک به آن نیرو میبود. کما اینکه در حمله دوم به عراق گر چه جنبش اعتراضی که با وضعیت امروز ایران قابل مقایسه باشد در جامعه عراق وجود نداشت ولی حزب کمونیست کارگری عراق وجود داشت و ما فعالانه از این حزب حمایت کردیم. مسلمان در مورد افغانستان هم اگر چنین حزبی وجود میداشت ما اعلام میکردیم که با تمام قوا به این حزب کمک خواهیم کرد، و از همه میخواستیم چنین کنند، تا حکومت طالبان نه بوسیله بمب افکنهای آمریکائی بلکه بدست مردم افغانستان و با قدرت حزب و نیروی چپ جامعه سرنگون بشود. و یا در مورد عراق اگر یک جنبش سرنگونی طلبانه در ابعاد اجتماعی وجود میداشت با تمام قوا کمک میکردیم تا صدام بقدرت کارگران بغداد و بصره و سلیمانیه و کرکوک سرنگون شود و آمریکا و بورژوازی جهانی نتواند راه حلهای خودش را تحمیل کند.

در مورد ایران هم مساله عیناً همین است. در این مورد یک جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه قوی اجتماعی و حزب نماینده و سخنگوی این جنبش وجود دارد و این وظیفه ماست که از دنیا بخواهیم از جنبش انقلابی در ایران و حزب ما حمایت

از صفحه ۲

## جنگ تروریستها ...

کند. و طبیعی است از هر نیرو و حزب و شخصیت مترقی و آزادیخواه و چپ انتظار داشته باشیم به این فراخوان ما پاسخ مثبت بدهد. این بار مساله سرنگونی به تاکتیک و سیاست ما در مقابل با دو قطب ارتجاع تنیده شده است. مساله صرفا این نیست که چون ما همیشه یک حزب سرنگونی طلب بوده ایم حالا در دل این کشمکش و بحران بین قطبهای تروریستی و در کنار مقابله با این وضعیت سیاست سرنگونی جمهوری اسلامی را هم دنبال میکنیم. بحث ما این نیست. واقعیت اینست که این بار مساله سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم در بطن این کشاکش قرار دارد و نمیشود این بار جور دیگری به جنگ دو قطب تروریستی رفت.

حزب را در موقعیت واقعی ای که هست یعنی یک نیروی مدعی قدرت سیاسی در یک جغرافیای سیاسی که دارد تبدیل میشود به کانون تخصص طبقاتی در سطح دنیا و حل و فصل مسائل جهانی نظم نوین سرمایه در دنیای بعد از جنگ سرد، در نظر بگیرید. مسائلی مثل تروریسم اسلامی، سلاح اتمی، بود و نبود جمهوری اسلامی و آلترناتیوهای بورژوازی جهانی برای رژیم چپ و جایگاهی قدرت از بالا، قلدر منشی نظامی و سیاسی و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و غیره روی میز قرار میگیرند و همه توجه ها را بخود جلب میکنند.

ایران و به این اعتبار حزب ما زیر نور افکن قرار میگیرد و انظار جهانی را متوجه خود میکند. در مورد سیاست و موضع حزب در قبال این اوضاع از ما میپرسند و اگر ما صرفا به این بسنده کنیم که جهان متمدن باید در برابر دو قطب تروریستی بایستد حق مطلب را ادا نکرده ایم. در مود عراق جواب ما این بود و کافی بود ولی وقتی دارد به ایران حمله میشود از حزب کمونیست کارگری ایران انتظار دارند حرف و موضع و سیاست مشخص تری داشته باشد. از ما خواهند پرسید راه حل شما برای مساله اتمی چیست؟ در مورد یوگسلاوی کسی انتظار نداشت ما راه حل مشخصی برای مساله صرب و کرووات داشته باشیم چون نیروی مستقیما دخیل در یوگسلاوی نبودیم و اگر هم راه حل کنکرتی میداشتیم اهمیت عملی ای نداشت. در آن مورد کافی بود بگوئیم

کارگران بوسنیا و صرب و کرووات باید متحد شوند و مساله را حل کنند. یعنی یک اعلام موضع اصولی با اهمیت اساسا تبلیغی و روشنگرانه. خبرنگار مفروض ما هم این موضع را بعنوان موضع یک کمونیست انترناسیونالیست ایرانی میفهمید و قبول میکرد. ولی کمونیست کارگری صربستان دیگر نمیتوانست به همین بسنده کند. نمیتوانست فقط بگوید جنگ قومی باید تمام بشود. می پرسیدند شما مشخصا بعنوان یک نیروی مستقیما درگیر چه سیاست مشخصی برای پایان دادن به جنگ قومی دارید. و اگر این را روشن نکنید یا شما را یک چپ اپوزیسیون بدور از بستر اصلی تحولات جامعه، حد اکثر یک حزب مبلغ، و یا بقول منصور حکمت یک گروه فشار ارزیابی میکنند، و یا یک فرقه اصولگرایی بی عمل و از کنارتان میگذرند.

بنا بر این امروز وقتی در مقابل حزب ما میخورن را میگیرند و میگویند دارد جنگ میشود و شما چه میکنید؟ وقتی میپرسند آیا ایران عراق میشود؟ جواب ما اینست: ما نیگذازیم. و این ادعا و موضع تبلیغی نیست. میتوانیم این کار را بکنیم. باید بعنوان یک حزب مدعی قدرت سیاسی و از موضع دولت آتی به مساله برخورد کرد. می پرسند آمریکا چه باید بکند؟ دو جور میشود جواب داد. یکی اینکه دولت آمریکا قدرت امپریالیستی است و یا راس نظم نوین جهانی است، ارتجاع است و همه تبلیغاتش بهانه است و رهنمود عملی ما هم اینست که کارگران آمریکا باید سرنگون اش کنند. این جوابی است که نشان میدهد گوینده هنوز در قسمت گود استخر سیاست نیست و دارد پایش را توی آب میزند. دارد صرفا موضع میگیرد. جواب دوم اینست که اگر دولت آمریکا و کلا دول غربی راست میگویند و در ادعاهای ضد اتمی و ضد تروریستی شان صادق هستند روابطشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند، جمهوری اسلامی را بعنوان نماینده مردم ایران برسمیت نشناسند، سفارتخانه هایش را ببندند و از سازمانهای بین المللی اخراجش کنند. ما اعلام میکنیم اگر رژیم اسلامی مانند آفریقای جنوبی دوره آپارتاید، از جامعه جهانی طرد شود مردم ایران در مدت کوتاهی حکومت را سرنگون خواهند کرد. ما

اعلام میکنیم راه حل واقعی و انسانی مساله اتمی، تروریسم اسلامی، حقوق بشر در ایران و یا هر دلیل و بهانه دیگری که برای حمله به ایران تراشیده اند در دست ما است و نه در دست آمریکا و یا شورای امنیت. تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی این مسائل را حل نمیکند. آنها را به مراتب شدیدتر و وخیم تر میکند. اگر دولتهای غرب این راه حل را نمیپذیرند بخاطر اینستکه برای این دولتها مساله اتمی و تروریسم و حقوق بشر و غیره همه بهانه است. اینها اهداف و منافع طبقه حاکمه و بورژوازی غرب را دنبال میکنند و بدنبال کسب هژمونی و تثبیت قدرت خود در خاورمیانه و در کل جهان هستند. اما مردم دنیا، نیروهای انساندوست و آزادیخواه دنیا، حرف و موضع ما را دارند، حرف ما را میفهمند و میتوانند بدور ما جمع شوند. اگر روی این نیرو حساب میکنیم. اگر نیروی واقعا مخالف سلاحهای اتمی و مخالف اسلام سیاسی و طرفدار آزادی و حقوق انسانها است باید ما را برسمیت بشناسد. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، ما نماینده مردم ایرانیم. ما کارگران ایران و زنان ایران و جامعه ایران و مبارزات مردم ایران را نمایندگی میکنیم. جامعه ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهد و دخالت نظامی و غیر نظامی غرب را هم نمیخواهد. مردم ایران خواهان جامعه ای انسانی و مدرن و سکولار و آزاد و برابر هستند، مخالف سلاحهای هسته ای در دست هر دولت و کشوری هستند، جامعه ایران علیه اسلام سیاسی و خواهان جانشینی کامل مذهب از دولت است و اگر حزب ما بقدرت برسد همه این خواستهای مردم متحقق خواهد شد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم چنان ضربه ای به اسلام سیاسی در منطقه و در سراسر جهان خواهد زد که دیگر سر بلند نخواهد کرد، اما حمله آمریکا بر عکس اسلام سیاسی و تروریسم را همه جا تقویت خواهد کرد.

اینها رئوس سیاست ما در قبال این دوره جنگ تروریستهاست. باید طوری به مساله برخورد کنیم که گوئی در سازمان ملل از مردم ایران دفاع میکنیم. از موضعی تعرضی و قدرتمند و از بالا. و نه از موضع گروه فشار و نیرویی که صرفا علیه نظم نوین جهانی و دو قطب تروریستی اعلام موضع و تبلیغ میکند. اینجا دیگر جهان متمدنی که باید به میدان بیاید یک آرمان و شعار عمومی نیست، خود حزب ما است که در میدان است. دولتهای غرب مدعی نمایندگی تمدن هستند، باید بعنوان نمایندگان واقعی جهان متمدن جوایشان را بدهیم. جهان متمدن دیگر شخص ثالث نیست، خود شما در کمیته مرکزی حزب هستید. و باید به این عنوان در برابر این کشمکش تروریستی بایستید.

رفقا! طوفانی شروع میشود. و ما بعنوان یک نیروی موثر و فعال در دل این طوفانیم. و میخواهیم به عنوان نماینده و عامل فعال جهان متمدن از این بحران رد بشویم. سؤال اینست موفقیت را با چه می سنجم؟ کی میتوان گفت موفق شده ایم؟ پیروزی را با چه اندازه میگیریم؟ به نظر من دو معیار داریم. بشریت در این مجادله وقتی پیروز شده است که اولاً جمهوری اسلامی بقدرت مبارزه مردم سرنگون شده باشد و یا بسیاریه سرنگونی نزدیک شده باشد، یعنی مشخصا به موقعیت منزوی و طرد شده ای نظیر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در مقطع انقلاب ضد راسیستی در آن کشور دچار شده باشد؛ و ثانیاً دولت آمریکا نظیر دوره بعد از جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم خودش و مردم جهان افشا و منقور شده باشد به نحوی که رئیس جمهورش نتواند سرش را بلند کند و مردم آمریکا مانند دوره جنگ ویتنام بقول خودشان در اتاق نشیمنها دولتشان را به محاکمه کشیده باشند. این معنای مشخص پیروزی مردم متمدن جهان در این کشمکش است. ما باید کاری بکنیم که کل جبهه ارتجاع، دولتهای غربی تحت پرچم آمریکا و اسلام سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی، به شکست کشیده شود. و در این دور مشخصا این شکست میتواند و باید به شکل سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم و یا آفریقای جنوبییزه شدن این حکومت و همچنین رسوائی دولت آمریکا و متحدینش و سیاستهای میلیتاریستی آنها خود را نشان بدهد. این هدف مشخص ماست و تمام توانمان را باید بکار بگیریم تا این هدف متحقق بشود.

مردم ایران دفاع کنید. این انقلاب شماست. این مبارزه شما هم هست. ما خیریه سیاسی نمیخواهیم. نمیگوئیم باید دلتان برای مردم ایران بسوزد و از سر نوع دوستی از آنها حمایت کنید. این حرف ما نیست. اینجا هم باید از موضع قدرت و تعرضی صحبت کنیم. ما ادعا میکنیم راه حل مردم جهان در دست ماست. حرف ما با مردم جهان اینست: مگر این نیست که دولتهای غربی به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی آزادیها و حقوق مدنی شما را محدود کرده اند و زیر پا گذاشته اند؟ مگر این نیست که در لندن و نیویورک و مادرید و بالی و بسلان طعمه بمبهای اسلامی میشوید؟ و در بغداد و فلوجه و ناصریه و فلسطین و کابل علاوه بر این بمبهای اسلامی بمباران هوایی و رگبار مسلسلهای غربی نیز از شما قربانی میگیرند؟ مگر نمیبیند همه جا در دل اروپا مسجد هوا شده است و مدارس اسلامی به راه افتاده است؟ و اگر ما جلوی دولتهایتان را نمی گرفتیم الان دادگاههای اسلامی هم به راه انداخته بودند؟ مگر نمی بینید مذهب در جامعه و آموزش و پرورش و سیاست در دل اروپا و آمریکا رسوخ کرده است و هر روز دامنه نفوذ بیشتری پیدا میکند. مگر قتلهای ناموسی در اسکاندیناوی و آلمان بیداد نمیکند و دولتهایتان با اغماض از کنار آن نمیگذرند؟

انقلاب ایران یک گام تعیین کننده و اساسی برای حل همه این مسائل مبتلابه جهان امروزیست. ایران بطور عینی به کره گاه حل و فصل مسائلی تبدیل شده که زندگی هر روزه مردم در سراسر جهان را در چنگال خود میفشارد. و بهمین دلیل مردم جهان با حمایت از مبارزات مردم ایران در واقع به امر خود کمک میکنند و در راه تحقق بیشتر حقوق و آزادیهای مدنی و سکولاریسم و مدنیت و انسانیت در جوامع خود قدم بر میدارند.

اسلام سیاسی پدیده ای بین المللی است. در ایران اسلام سیاسی و نیروهای تروریسم دولتی غرب در یکسو و کمونیسم کارگری در سوی دیگر صفتبندی کرده اند. و ازینرو مبارزه طبقاتی در ایران به حکم شرایط عینی ابعاد جهانی دارد. انقلاب ایران امری جهانی است بخاطر اینکه مستقیما در سیاستها و استراتژی های قطبهای تصمیم گیرنده سرمایه جهانی تاثیر

# بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد کشمکش میان دولت آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی

کشاکشی که میان دولت آمریکا و متحدینش با جمهوری اسلامی در گرفته است یکبار دیگر جهان را در آستانه یک فاجعه انسانی و سیاسی قرار داده است. این برآمد دیگری از مقابله تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش با تروریسم اسلامی است. هیچ یک از دو سوی این تخاصم تروریستی مردم متمدن جهان و خواستها و منافع آنان را نمایندگی نمیکند. اهداف و سیاستهای واقعی که موجب این بحران شده و از مجرای این بحران به پیش برده میشوند تماما ضد انسانی و ارتجاعی است و "راه حل‌های" دول غربی نظیر تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی نیز چیزی جز جنایت علیه بشریت نیست. تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی برای اهداف و منافع ارتجاعی خود می‌جنگند اما قربانیان این جدال تروریستی مردم بیگناهی هستند که هیچ منفعتی در این جدال ندارند.

در یکسوی این جدال ارتجاعی دولت آمریکا و متحدینش قرار دارند. این دولتها نه تمدن غرب بلکه ارتجاع سرمایه داری هار و افسارگسیخته دنیای بعد از جنگ سرد را نمایندگی میکنند. دولت آمریکا تحت عنوان "مقابله با تروریسم"، اهداف سلطه جویانه و هژمونی طلبانه اش در دنیای پس از جنگ سرد را دنبال میکنند و استراتژی "حمله پیشگیرانه" و سیاستهای میلیتاریستی و قلدری سیاسی ابزاری برای رسیدن به این هدف است. این استراتژی عمومی امروز در قالب مقابله با جمهوری اسلامی بر سر مساله سلاحهای هسته ای دنبال میشود. در این مناقشه مشخص دولت آمریکا هدف جلوگیری از نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و فلسطین و کلا منطقه خاورمیانه و اوار کردن آن به تبعیت از سیاستهای منطقه ای خود را دنبال میکند. از نظر استراتژیستهای

آمریکائی حمله نظامی به ایران همچنین میتواند زمینه ساز تغییر حکومت و پیاده کردن سناریوی "رژیم پنج" باشد. این در واقع نوعی دخالت مستقیم دولت آمریکا و متحدینش برای حل مساله قدرت سیاسی در ایران در چارچوب نظم نوین جهانی سرمایه است. اما طرح و اهداف آمریکا و دولتهای غربی هر چه باشد، حاصل این سیاست، در صورتیکه با مقاومت و تعرض مردم آزاده در ایران و در جهان روبرو نشود، چیزی بجز تلاشی جامعه و مدنیت در ایران و تقویت تروریسم اسلامی در منطقه و در سطح جهانی نخواهد بود.

در طرف مقابل، جمهوری اسلامی، یکی از وحشیانه ترین و جنایتکارترین حکومتهای عصر حاضر قرار دارد. ۲۷ سال جنایت و سرکوب و تحمیل فقر و محرومیت و بیحقوقی به مردم ایران، و سازماندهی و حمایت از جریانات تروریستی در منطقه و در سطح جهانی، گوشه ای از کارنامه این رژیم ضد بشری است. جمهوری اسلامی ستون فقرات جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی است. این جنبش که در متن جنگ سرد با حمایت و دخالت مستقیم دولت آمریکا و سایر دول غربی، برای مقابله با گسترش نفوذ شوروی و در اساس برای مقابله با قدرتگیری کارگر و کمونیسم در جوامع خاورمیانه شکل گرفت، با بقدرت رسیدن رژیم اسلامی در ایران و پایان جنگ سرد افسارگسیخت و برای سهم خواهی سیاسی و اقتصادی بیشتر در نظم جهانی سرمایه و دست یافتن بقدرت سیاسی در کشورهای اسلامزده به کشمکش و مقابله با آمریکا و کلا جهان غرب پرداخت. دستیابی جمهوری اسلامی به سلاحهای اتمی این جنبش ضد بشری را در منطقه و در سطح جهانی تقویت خواهد کرد. مشخصا برای جمهوری اسلامی پروژه هسته ای و

دستیابی به سلاح هسته ای راهی برای ارباب جامعه و بقا و حفظ خود در مقابل جنبش انقلابی مردم در عرصه سیاست داخلی و تحمیل خود به دولتهای غربی بعنوان یک قدرت منطقه ای است.

تروریسم دولتی غرب و اسلام سیاسی اجزائی از ارتجاع سرمایه داری عصر حاضرند که به یکدیگر زمینه وجودی میدهند و یکدیگر را توجیه و تقویت میکنند. شاخه ای از اسلام سیاسی امروز در عراق و افغانستان در کنار آمریکا قرار گرفته و مستقیما بعنوان نیروی دولتهای فوق ارتجاعی دست ساز آمریکا و متحدینش بکار گرفته میشود، و بخش دیگر نیز که در مقابل آمریکاست هویت سیاسی و علت وجودی خود را از جنایات و مصائبی میگیرد که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در عراق و فلسطین و کل منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. اسلام سیاسی در کلیت خود جنبشی ضد بشری و مافوق ارتجاعی است که بر زمینه سیاستهای ارتجاعی آمریکا و دولتهای غربی و در چهارچوب نظم نوین جهانی سرمایه زمینه و ضرورت وجودی پیدا کرده است.

مبارزه علیه هر یک از این دو قطب تروریستی از مبارزه با دیگری جدائی ناپذیرست. باید در مقابل هر دو سوی این جنگ تروریستی ایستاد. باید به سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و دولتهای غربی از یکسو و اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی از سوی دیگر تعرض کرد، آنان را به عقب راند و سیاستهای جنایتکارانه شان را به شکست کشانید. نیروها و جریانات سیاسی که در ایران و در خارج کشور به بهانه مبارزه با سیاستهای میلیتاریستی و حمله نظامی دولتهای غربی مبارزه با نیروهای اسلامیستی و مبارزه علیه جمهوری اسلامی را کمرونگ میکنند، و از

سوی دیگر نیروهائی که مقابله با تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش را تحت الشعاع مقابله با اسلام سیاسی قرار میدهند، در واقع در جبهه تروریستها و بعنوان نیروی ذخیره آنها عمل میکنند و در برابر مردم قرار میگیرند. جبهه مردم متمدن جهان، جبهه سوم، جبهه دفاع از آزادی و سکولاریسم، مدنیت و حقوق مدنی مردم، برابری و سوسیالیسم، و انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی در مقابل هر دو قطب تروریستی است.

امروز با قرار گرفتن جمهوری اسلامی در کانون "بحران اتمی"، مردم ایران و مبارزه آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی مکان برجسته و تعیین کننده ای در جبهه سوم و صف مردم متمدن جهان پیدا میکند.

جمهوری اسلامی خود با یک بحران عمیق سیاسی اقتصادی و اجتماعی روبروست که راه حلی برای آن ندارد و این بحران زمینه ساز یک جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه وسیع در جامعه است. امروز مساله عاجل جمهوری اسلامی بقا و حفظ خود در برابر موج اعتراضات و مبارزات کارگران و زنان و جوانان و اکثریت قریب به اتفاق جامعه است و تلاش او برای دستیابی به سلاحهای اتمی و کشمکش با آمریکا و دول غربی بر سر این مساله نیز اساسا با هدف تقویت خود در منطقه، ارباب جامعه و تثبیت خود در برابر امواج اعتراضی مردم انجام میشود. پاسخ مردم ایران به بحران سیاسی-اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی سرنگونی این حکومت است و این راه حل واقعی و انسانی و متمدنانه مساله اتمی و تروریسم اسلامی و کلا آنچه "بحران اتمی" خوانده میشود نیز خواهد بود.

آمریکا و دولتهای غربی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را در اختیار دارند مراجع ذیصلاحی برای حکمت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. راه حل های جنایتکارانه آنان از نظر انسانی یک فاجعه خواهد بود و از لحاظ سیاسی جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی در منطقه را تقویت خواهد کرد. تنها مبارزه مردم ایران میتواند به حیات ننگین جمهوری اسلامی و تهدیدات

اتمی اش پایان دهد. این مبارزه جزء مهمی از جنبش عمومی مردم جهان برای خلع سلاح اتمی همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی در سراسر جهان است. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم انقلابی همچنین ضربه اساسی ای بر جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی، هر دو شاخه آمریکائی و ضدآمریکائی آن، در منطقه و در سراسر دنیا وارد خواهد کرد. انقلاب پیروزمند مردم ایران میتواند نقطه عطفی در مبارزه جهان متمدن علیه هر دو قطب تروریستی و گام بلندی در جنبش کارگری جهانی و صف سکولاریسم و مدنیت و آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم در برابر نظم نوین سرمایه داری جهانی باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران سخنگو و نماینده جنبش انقلابی مردم ایران و پرچمدار جبهه سوم، جبهه مردم متمدن جهان علیه جنگ تروریستهاست. این حزب منتقد و افشا کننده سیاستهای میلیتاریستی بورژوازی غرب و توحش نظم نوین جهانی سرمایه از مقطع جنگ اول خلیج، حزب مقابله پیگیر و همه جانبه با طاعون اسلام سیاسی در ایران و در سراسر جهان، و حزب مقابله با تروریسم میلیتاریستی و تروریسم اسلامیستی در دنیای پس از یازده سپتامبر است. امروز ما به نمایندگی از مردم ایران و جنبش انقلابی آنان با تمام قوا در برابر کشمکش تازه ای که میان دو قطب تروریستی آغاز شده است می ایستیم و اجازه نمیدهم تجربه عراق را در ایران تکرار کنند. ما رو به جهانیان اعلام میکنیم مبارزه انقلابی کارگران و مردم آزاده ایران صف مقدم جبهه علیه دو قطب تروریستی است، به این صف بپیوندید.

حزب کمونیست کارگری همه احزاب و نیروهای سیاسی مترقی، اتحادیه های کارگری، سازمانهای مدافع حقوق زن و همه شخصیتها و نهادهای سکولار و آزادیخواه، ضد تروریسم اسلامی و ضد سیاستهای میلیتاریستی آمریکا را به حمایت فعال از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا میخواند. \*

## جنگ تروریستها ...

اسرائیل. یعنی کوتاه شدن دست اسلام سیاسی از لبنان و سوریه. در شمال آفریقا و در قلب اروپا. پیروزی انقلاب در ایران بطور ملموس و زنده به همه مردم دنیا مریوط میشود. ما باید این حقیقت را به همه نشان

از صفحه ۳

میگذارد. بر زندگی مردم دنیا نیز مستقیما تاثیر خواهد داشت. خیلی مشخص و مستقیم و روشن پیروزی در ایران یعنی امنیت بیشتر برای مردم لندن و نیویورک. یعنی خواب راحت تر مردم در فلسطین و در

# اول ماه مه، مهمترین روز ما کارگران

محمد مزرعه کار

## کارگران سوسیالیست و رادیکال

در شرایط کنونی اگر به چهار گوشه جهان سرمایه داری ضد انسانی نگاه کنید، به راستی چه واقعیتی را مشاهده منماید؟ استثمارشدید کارگران، تن فروشی زنان برای نان، کار کودکان نحیف و لاغر و بیگانه در خیابانها برای زنده ماندن در محلات کارگری و فقیرنشین همچون: محله احمد آباد آبادان، دروازه غار جنوب تهران، کپرها والونکهای دهلی نو هند، گتوهای کارگری پاریس در فرانسه، خانه های مقوی ریودوژانیرو برزیل و محلات کارگران سیاه پوست و کم درآمد درهالرم نیویورک آمریکا. این محلات مسکونی را که سرمایه داران در قرن ۲۱ بر میلیونها تن از افراد طبقه ما تحمیل کرده اند، شایسته زندگی انسان به هیچوجه نمی باشند.

چرا باید میلیونها کودک کار در میان زیاله ها در شکارغذا، در خیابانهای ناامن و ترسناک بدنیا بیاوریم، و در کارتن ها کنار خیابانها وزیر پلها و ایستگاههای مترو قطارها در هوای سوزنده زمستان در سروصدای کرکننده و عذاب آور به خواب بروند؟ چرا در حالیکه تمامی تولیدات غذایی، پوشاک، بهداشت، ساختمانهای عظیم، دانشگاهها، میدان های بزرگ ورزشی به دست توانای ما کارگران بوجود می آیند وضعیت زندگی روز به روز وحشتناکتر میشود؟ چرا در هر ۳ ثانیه یک کودک افریقایی به خاطر عدم دسترسی به نان جان خود را از دست می دهد؟

اکنون درواکنش به این اوضاع بی رحم و ضد انسانی، جنبش کارگری در سطح دنیا به حرکت درآمده است. به عنوان نمونه در فرانسه و ایران جنبش ما کارگران گام عظیم و سرنویشت سازی را به جلو برداشته است. تحریک هزاران کارگر شرکت اتوبوسرانی واحد تهران در دی ماه ۱۳۸۴ برای مطالبات بحق، تشکیل آزاد و مستقل از دولت، قرارداد دسته جمعی، افزایش دستمزدها به حداقل ۵۰۰ هزار تومان، انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگر اسلامی سرکویگر، بازگشت به کار بیش از ۱۰۰۰ کارگر اعتصابی و مهمتر از همه آزادی منصور اسانلو و تمامی زندانیان سیاسی در ایران در ۲۷ سال

حکومت سیاه جمهوری اسلامی بی سابقه بوده است و پایه های نظام اسلامی سرمایه را به لیزه در آورده و ترس از سقوط را می توان در چشم های بی رحم و پراز شقاوت سرمایه داران و کارفرمایان بارگاه اسلامی بطور واقعی مشاهده کرد.

در جنبش کارگری ما اعتصاب کارگران شرکت واحد درخشان ترین حرکت و نقطه عطفی بعد از اعتصابات و مبارزات عظیم و تاریخ ساز کارگران نفت در انقلاب ۵۷ بوده است. حمایت و همبستگی کارگران جهان از استرالیا تا خاورمیانه، از اروپا تا کانادا و آمریکا از مبارزات کارگران واحد نشان داد که چه قدرت یکپارچه و غول آسایی در میان طبقه جهانی کارگر نهفته است و هر زمان کارگران همچون میلیونها کارگر در فرانسه در مقابل قوانین ضد کارگری اخراج و بی کاری ها متحد و سراسری اعتراض کنند، دولت های سرمایه داری با ترس و وحشت مجبور به عقب نشینی و پس گرفتن لوایح غیرانسانی پارلمانهای سرمایه داران خواهند شد.

## رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری

طبقه کارگر ما در ایران در اوضاع سخت و طاقت فرسای کنونی چه کارهایی را می تواند انجام دهد تا جنبش سوسیالیستی کارگری را هدایت و رهبری بنماید؟ جنبش آزادی و برابری ما کارگران در شرایط حساس و ویژه ای قرار دارد. یعنی بطور عینی، واقعی و قابل لمس جمهوری اسلامی سرمایه با عدم پرداخت دستمزد های بخش وسیعی از کارگران و با ممانعت از افزایش دستمزدها تیغ تیز گرسنگی را روی گردن کارگران شیشه میرال قزوین، معادن سنگرود، پتروشیمی کرمانشاه و ماه شهر، ایران صدرا بهشهر، نساجی و بافندگی سنندج و کاشان، یخچال سازی فیلیور تهران، شرکت واحد و ایران خود رو و تعداد زیادی کارگر در رشته های دیگر گذاشته است. حال ما کارگران در روز جهانی کارگر، روز کيفرخواست علیه طبقه مفتخور و استثمارگر سرمایه دار، و روز تصفیه حساب طبقاتی چه کارهایی را باید بکنیم؟ رهبران کارگری یعنی آگاه ترین،

از صفحه ۱ سوسیالیسم همین امروز

و عده های پوچ و ریاکارانه دمکراتهای نظم نوینی را پشت سر گذاشته است. برخلاف ریاکاران و شعبیده بازان سیاسی که تلاش داشتند جهان پس از جنگ سرد را دنیای "صلح و دمکراسی و رفاه" در اذهان توده های میلیونی کارگران تصویر کنند، برای هر انسان باشرف و منصفی بار دیگر معلوم شد که امر بهبود و تغییر اوضاع بنفع توده های کارگر و مردم محروم تنها و تنها باید به مبارزه سوسیالیستی کارگری متکی باشد. بار دیگر معلوم شد که کارگر در تهران و نیویورک و پاریس و هر گوشه جهان امر مشترک و دشمن طبقاتی مشترکی دارد. معلوم شد که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم و بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به یک منجلاب تبدیل میشود. رویدادهای اخیر در فرانسه و انگلستان و آمریکا، مبارزات میلیونی سالهای اخیر در آلمان و ایتالیا و کشورهای مهم اروپا، اعتصابات و اعتراضات گسترده در ایران و ترکیه و آرژانتین و اسپانیا و معکوس شدن روندهای سیاسی در آمریکای لاتین، بر آغاز یک دوره جدید تاکید میکنند.

فوت مهم طبقه کارگر است که این طبقه را در صحنه سیاست در مقابل طبقات حاکم، جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلامی و احزاب راست و غیرکارگری نمایندگی میکند. کارگران در کشورهای مختلف برای پیشروی و حضور موثر در صحنه سیاست به حزب سیاسی و طبقاتی خود نیاز دارند. تحزب کمونیستی و راه حل کمونیستی کلید اصلی بازگشت موثر طبقه کارگر به صحنه سیاست است. اول مه امسال باید پرچم سوسیالیسم کارگری و مارکس و نیاز و ضرورت و مبرمیت تغییر جهان در صف مقدم اجتماعات و تظاهراتهای اول مه مکان شایسته خود را پیدا کند. اول مه امسال رهبران کارگری باید علیه تروریسم اسلامی و میلیتاریسم و قلندری سیاسی سخن بگویند. اول مه امسال باید علیه سرمایه تمامی مشقات بشر امروز سخن گفت و در مقابل وضع موجود پرچم سوسیالیسم همین امروز را برافراشت!

زنده باد اول مه!  
زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۲۱ آوریل ۲۰۰۶

گوش کارگران دنیا و جلب افکار عمومی مردم جهان در دفاع از حقوق کارگران ایران همه و همه از نقش سازنده حزب کمونیست کارگری ایران در درون جنبش کارگری حکایت می کنند. رهبران کارگری در صورت متشکل شدن در صفوف حزیشان می توانند قویتر، موثرتر و کارسازتر، متحدتر و سراسری تر مبارزات طبقه ما را هدایت و رهبری کنند. ابزار و امکانات حزب کمونیست کارگری حلقه کلیدی در پیروزی کارگران و مردم زحمتکش در این دوره برای دستیابی به آزادی، برابری و سوسیالیسم و یک دنیای بهتری باشد.

روز اول مه روز نه به سرمایه و استثمار و روز اعلام و برافراشتن پرچم سوسیالیسم، آزادی و برابری در یک نظام انسانی هست.\*

سوسیالیسم بپاخیز!  
برای رفع تبعیض!

و مبارزات کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت آبادان تاکید می کنم برای آن که طبقه کارگر این بار بر خلاف انقلاب ۵۷ بتواند رهبری خویش را بر جنبش سرنگونی، بر مبارزه انسانی جوانان، زنان و دانشجویان اعمال کند، باید کارگران و رهبران سوسیالیست و رادی کال کارگری در صحنه سیاست ایران حزب سیاسی خودشان را داشته باشند. رهبران کارگری باید پیوند ارتباط نزدیکی با حزب کمونیست کارگری به عنوان نماینده واقعی طبقه کارگر ایران برقرار کنند. حزب کمونیست کارگری هم اکنون نقش بسیار فعال و موثری را در مبارزات کارگران ایفا می کند. انعکاس مبارزات کارگران شرکت واحد در سطح جهان، در اختیار گذاردن رادیو و تلویزیون انترناسیونال برای اعلام مطالبات بحق کارگری، دعوت از رهبران اعتصاب و خانواده های کارگری در جهت مقاومت و ایستادگی در مبارزه برای احقاق خواسته ها، رساندن صدای کارگران واحد به

متعهدترین و مورد اعتمادترین قشر طبقه ما که همیشه نقش مهم و کلیدی در اعتصابات، اعتراضات و مبارزات کل طبقه کارگر دارند، می باید به اهمیت اتحاد فراتر از کارخانه پی ببرند زیرا که هر چه اتحاد و همبستگی کارگران فراتر از یک کارخانه معین باشد قدرت و سازماندهی کارگران در راه رسیدن به مطالباتشان امکان پذیرتر می باشد. باید با تشکیل کمیته های فراکارخانه ای، با ایجاد کمیته های برگزاری اول مه، کمیته های اعتصاب به استقبال شرایط حاضر رفت. با کارخانجات دیگر تماس بگیرید، مجامع عمومی را فرا بخوانید و مطالبات همگانی، مشترک و سراسری کارگران را در تجمع ها، مراسم و گردهمایی های مستقل از دولت رو به جامعه اعلام کنید. روز اول ماه مه روز دفاع از مبارزات کارگران شرکت واحد، روز حمایت از بازگشت به کار بیش از ۱۰۰۰ کارگر اعتصابی، روز اعلام آزادی منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی، روز اعلام تشکل های آزاد و مستقل از دولت کارگری، شوراهای کارگری و فرهنگ و کانون کارگری که از طریق مجمع عمومی نمایندگان مستقیم خود را برای انعقاد قرارداد های دستجمعی برمی گزینند، روز اعلام انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگراسلامی یعنی ارگانهای جاسوسی و سرکویگر جمهوری اسلامی، و سرانجام روز خواست افزایش حد اقل دستمزد به ۵۰۰ هزار تومان است.

نکته با اهمیت دیگر اینست که در شرایطی که بحران اتمی جمهوری اسلامی و حمله احتمالی دولت میلیتاریستی آمریکا و متحدینش، جامعه ایران را درنگرانی و التهاب فرو برده است، در روز اول ماه مه کارگران در ایران به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی مخالفت خود را با داشتن سلاح مخرب اتمی از طرف هر دولت و کشوری در قطعنامه ها اعلام کنند. جنگ دولت های تروریست سرمایه داری ربطی به منافع کارگران در جهان ندارد. کارگران هدفشان از مبارزه ایجاد یک جامعه آزاد، برابر، مرفه انسانی و بدون جنگ و فقر می باشد. من بنا بر تجربه ام دراعتصابات

## پیام حمید تقوایی به کنگره اول حزب کمونیست کارگری چپ عراق

رفقای عزیز!

با گرمترین سلامها و درودها، تشکیر اولین کنگره حزب کمونیست کارگری چپ عراق را به شما

تبریک میگویم. امروز جنبش کمونیست کارگری در عراق با حزب شما نمایندگی میشود و تشکیل اولین کنگره حزب بی شک نقطه

عطف تعیین کننده ای در سیر پیشروی جنبش ما و صف سوسیالیسم و انسانیت و تمدن و آزادیخواهی در عراق و در منطقه خواهد بود.

متأسفانه پس از مرگ منصور حکمت و انشعاب خط راست از حزب کمونیست کارگری ایران، رهبری حزب کمونیست کارگری عراق نیز از منصور حکمت انشعاب کرد و تماماً از ایده سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی دست شست. آنان به تبعیت از متشعبین از حزب ما، راه تصرف قدرت از طریق دیپلماسی، از طریق جبهه سازی های انتخاباتی و اعلام آتش بس با نیروهای سناریوی سیاه را برگزیدند و سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی را به آینده ای نامعلوم حواله کردند. این نوع سیاست بازبها در چپ سنتی و غیر کارگری شیوه رایج و مرسوم است و تنها نتیجه آن همانطور که تاریخ بارها نشان داده تبدیل شدن به زانده سیاسی بورژوازی در مصاف بر سر قدرت سیاسی است. کمونیسم کارگری در عراق نمیتوانست بدون نقد پیگیر این جریان، که تحت نام منصور حکمت به سنتهای چپ غیر کارگری روی آورده است، به وظایف خطیری که در پیش رو دارد جواب بدهد. حزب کمونیست کارگری چپ عراق با تشخیص همین ضرورت تشکیل شد و امروز اولین کنگره حزب گام مهم دیگری در جهت بلند کردن پرچم کمونیسم منصور حکمت در جامعه عراق و در برابر نیروهای سناریوی سیاه است.

امروز عاجل ترین مساله مردم در عراق پایان بخشیدن به سناریوی سیاه و برقراری يك جامعه سکولار و مدرن، يك جامعه متعارف مدنی است. بورژوازی بومی و بین المللی قادر به تحقق این هدف نیستند. آمریکا و دولتهای غرب و نیروهای مذهبی - قومی - ناسیونالیستی که امروز در عراق یکه تاز میدان شده

اند خود موجد این شرایط هستند. اینها جزئی از صورت مساله اند و نه راه حل. حتی اگر روزی جنگ داخلی و هرج و مرج سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه که روز بروز وخیم تر میشود پایان بیذیرد نسخه بورژوازی بومی و بین المللی برای جامعه عراق يك دولت قومی - مذهبی است که فرسنگها از سکولاریسم و مدنیت فاصله خواهد داشت. بطورعینی در عراق امروز تنها نیروی که میتواند يك جامعه سکولار و مدرن و متمدن را مستقر کند کمونیسم کارگری است. در عراق امروز بحکم شرایط عینی سیاسی و اجتماعی تنها میتواند يك نظام مدنی و سکولار را برقرار کند. سوسیالیسم پاسخ به شرایط فردا نیست، تنها پاسخ ممکن به مسائل عاجل همین امروز است و حزب کمونیست کارگری چپ عراق تنها نیرو در صحنه سیاسی عراق است که عزم کرده است تا به این آلترناتیو جامعه عمل بپوشاند. مبارزه ما برای سوسیالیسم، در عراق، در ایران و در همه جا، از مبارزه برای سکولاریسم و مدنیت و آزادی جدائی ناپذیر است.

رفقای عزیز!

حزب کمونیست کارگری چپ عراق وظایف خطیری را در پیش رو دارد. یافتن راه پیشروی به جلو در دل شرایط سناریوی سیاه، نمایندگی کردن و سازماندادن کارگران، زنان و همه مردم شریف و زحمتکش در برابر دار و دسته های مسلح، پاسداری از زندگی مردم در محلات و مناطق شهری با اتکا بقدرت خود مردم، مقابله با نیروهای اشغالگر و دار و دسته های ملی-مذهبی که نفس زندگی را در معرض نابودی قرار داده اند، و بالاخره ظاهر شدن در صحنه جدال بر سر قدرت سیاسی بعنوان حزب نماینده کارگران و اکثریت عظیم جامعه، اینها رئوس وظایفی است که باید بر اساس پلاتفرمها و نقشه عملهای روشن و مشخص به پیش برده شوند. افق و چشم انداز و استراتژی عمومی ما روشن است. برنامه يك دنیای بهتر، و نظرات منصور حکمت، بویژه در "تفاوتهای ما"، "حزب و جامعه"، "طلوع خونین نظم نوین جهانی" و

## اولین کنگره حزب کمونیست کارگری چپ عراق با موفقیت در عراق پایان یافت

اولین کنگره حزب کمونیست کارگری چپ عراق، که از تاریخ ۳۱ مارس تا ۱ آوریل ۲۰۰۶ در عراق برگزار شد، با موفقیت کامل پایان یافت. در این کنگره نمایندگانی از سازمانهای حزب در عراق و خارج کشور و همچنین مهمانانی شرکت داشتند. کنگره با سرود انترناسیونال و يك دقیقه سکوت بیاد جانبختگان راه سوسیالیسم آغاز بکار کرد. عصام شکرى طی سخنانی کوتاه و اعلام حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن کنگره جلسه را افتتاح کرد، و کنگره رسمیت خود را تأیید کرد. سپس، هیئت رئیسه ای برای اداره کنگره انتخاب گردید و دستور جلسه کنگره به تصویب رسید.

سخنرانی افتتاحیه کنگره از طرف عصام شکرى ارائه گردید. وی به اهمیت سیاسی و تاریخی اولین کنگره حزب اشاره کرده و آنرا کنگره ای برای بنیان گذاری حزب کمونیسم کارگری در عراق بدنبال بر زمین افتادن پرچم سوسیالیستی حزب از طرف رهبری راست حزب کمونیست کارگری عراق و دست کشیدن از کمونیسم منصور حکمت ارزیابی کرد. عصام شکرى سپس گزارش خود را بعنوان رئیس سابق کمیته اجرائی به کنگره ارائه داد. این گزارش شامل شرحی از فعالیت ها و آکسیون های حزب در دوره گذشته بود.

سپس سمیر نوری رساله خود تحت عنوان 'وضعیت سیاسی و بنیان گذاری حزب کمونیست کارگری چپ عراق' را ارائه داد. وی بر وظیفه اصلی حزب کمونیست کارگری، یعنی مبارزه برای سوسیالیسم، انگشت گذاشته و تأکید نمود که حزب مارکسیستی تجسم سیاسی نقد رادیکال کارگر به سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم از طریق لغو کارمزدی و مالکیت خصوصی است و همچنین بر اهمیت ساختن حزب تأکید کرد.

پیش از پایان روز اول کنگره، عصام شکرى اصلاحات پیشنهادی بر برنامه حزب، "يك دنیای بهتر"، را "دنيا پس از ۱۱ سپتامبر"، این استراتژی را روشن کرده است. من یقین دارم که حزب کمونیست کارگری چپ عراق با اتکا بر این افق و استراتژی در همه عرصه های متنوع مبارزه قاطع و پیگیر به پیش

مروار کرد. این اصلاحات شامل دو بخش اصلی بود: سوسیالیسم بعنوان هدفی که حزب برای آن در عراق مبارزه می کند، و مساله ستم ملی و کردستان. کنگره در ادامه خود این اصلاحات را تصویب نمود.

روز دوم کنگره با نامه حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، خطاب به کمیته مرکزی آغاز شد. این نامه توسط عصام شکرى قرائت شد. سپس، خبات مجید بحث خود را پیرامون استراتژی حزب کمونیست کارگری چپ عراق ارائه داد، که طی آن، وضعیت سیاسی عراق و پاسخ های حزب به مسئله اشغال، سناریوی سیاه، ناامنی، سلطه دستجات مسلح اسلامی و ناسیونالیستی، تقسیم جامعه براساس فرقه و قومیت و فروپاشی جامعه مدنی مورد بحث قرار گرفت. پاسخ حزب به این مسائل، خود را در خواست برقراری يك حکومت سکولار و جامعه مدنی بیان می کند. کنگره این تئیسین را ارائه داد که برقراری يك حکومت سکولار در عراق امروز امر طبقه کارگر و مشخصاً کمونیستهاست. در ادامه این مباحث، کنگره قطعنامه پیرامون استراتژی حزب را با اتفاق آرا تصویب نمود.

آزاد حمه کریم رساله خود در باره استقلال کردستان را عرضه کرد که در آن ضرورت مطالبه استقلال کردستان بمنظور دور ساختن مردم آن از سناریوی سیاه حاکم بر دیگر مناطق عراق و از جنگ تروریستی بین دو قطب تروریسم، یعنی تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلام سیاسی، افشا موضع نیروهای ناسیونالیست حاکم در کردستان و تسهیل مبارزه مردم آنجا برای سوسیالیسم توضیح داده شده بود. بدنبال این مبحث، قطعنامه ای درباره استقلال کردستان با اکثریت آرا به تصویب رسید.

کنگره همچنین قراردادی زیر را به تصویب رساند: درباره جایگاه رفیق حمید تقوایی در جنبش کمونیسم کارگری، درباره رابطه با خواهد رفت. حزب کمونیست کارگری ایران در همه لحظات این مبارزه خطیر در کنار و همراه شما خواهد بود.

به همه شما درود میفرستم و دستتان را به گرمی میفشارم .

حزب کمونیست کارگری ایران، در باره حزب کمونیست کارگری عراق و درباره موضع حزب کمونیست کارگری چپ عراق نسبت به سازمان آزادی زن عراق.

آخرین دستور کنگره انتخابات برای کمیته مرکزی بود که در نتیجه انتخاب شدند: سمیر نوری، خبات مجید، فاتح بهرامی، آزاد حمه کریم، خیال ابراهیم، عصام شکرى، سردار عبدالله حمه، مریم جمیل، عبدالزهره موسی، جلیل شهباز، عبدالحکیم حسن فنجان، صباح ابراهیم، جاسم محمد، عباس عبدالرحمن، ربیبین فاروق و محمد آسنگران. در پایان کنگره، دو نفر از مهمانان، پروین محمد و کاروان مجید، بعضویت حزب در آمدند. فاتح بهرامی در سخنرانی اختتامیه خود به اهمیت کنگره و موفقیت آن در وظایف اصلی اش اشاره کرده و بر اهمیت پرداختن به وظایفی که کنگره در برابر حزب قرار داده و ساختن حزب تأکید کرد.

با پایان کنگره، اولین پلنوم کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضا آن تشکیل شد. پلنوم با تصویب قراری، ۴ نفر را بعنوان اعضا مشاور کمیته مرکزی انتخاب کرد: کاروان مجید، سرکول احمد، علی هادی و کاوه عمر. قرار دیگری در باره آرایش رهبری به تصویب رسید. سپس، مسائل مربوط به امور مالی و رهبری و اختیارات آن به بحث گذاشته شد و انتخابات برای دفتر سیاسی صورت گرفت. رفقای زیر به دفتر سیاسی انتخاب شدند: سمیر نوری، خبات مجید، فاتح بهرامی، آزاد حمه کریم، سردار عبدالله حمه، صباح ابراهیم و عصام شکرى. کمیته مرکزی باتفاق آرا عصام شکرى را به دبیری کمیته مرکزی برگزید. کلیه اسناد کنگره بزودی منتشر خواهد شد. \*

کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری چپ عراق

۱۶ آوریل ۲۰۰۶

امیدوارم کنگره پربار و موفقی داشته باشید. \*

حمید تقوایی  
دبیر کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مارس ۲۰۰۶

## پرچم جهان متمدن را علیه جنگ تروریستها برافرازیم! پیام حمید تقوائی به مناسبت اول مه

### دوستان کارگزار!

سال گذشته سال ما کارگران بود! مبارزات و اعتصابات متعدد و گسترده، که اوج آن مبارزه پرشکوه کارگران شرکت واحد و حمایت متحدانه و بیسابقه کارگران جهان از این مبارزه در روز پانزده فوریه بود، مطالبات و شعارهای رادیکال و پایه ای نظیر افزایش حداقل دستمزد به پانصد هزار تومان و مطالبه آزادی تشکلهای کارگری و انحلال انجمنهای اسلامی، مقابله با رفسنجانی و ایادی خانه کارگری در اول مه سال گذشته و در جریان مضحکه انتخاباتی رژیم، بیانیه ها و قطعنامه های رادیکال و سوسیالیستی تجمعات اول مه در سال گذشته، حمایت شما کارگران از جنبش زنان و دانشجویان در ایران و فرانسه، همه و همه نشاندهنده نقش و وزنی است که جنبش کارگری در تحولات سیاسی جامعه یافته است. اول مه امسال میتواند نقطه اوجی در سیر این پیشروی باشد. در اول مه در برابر نظم زندانسانای سرمایه داری بمیدان بینیم و پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم را در پیشاپیش صفوف مردم معترض و عاصی از وضعیت موجود برافرازیم.

### کارگران مبارز!

امروز نیروهای ارتجاعی سرمایه داری جهانی، میلیتاریسم دول غربی و تروریسم اسلامی دنیا را در آستانه یک جنگ خونین دیگر قرار داده اند. در کشمکش که حول پروژه هسته ای جمهوری اسلامی در گرفته رژیم در پی تثبیت موقعیت لوزان خود در مقابل موج نفرت و اعتراضات مردم است و دولت آمریکا بدنبال تشبیت قدر قدرتی و سلطه خود بر خاورمیانه و بر دنیای "نظم نوین سرمایه داری" پس از جنگ سرد. این جنگ ما کارگران نیست. این کشمکش در اردوگاه جهانی سرمایه داری است که باید از جانب بشریت متمدن دنیا و کارگران جهان به نمایندگی از جهان متمدن با قدرت تمام پاسخ بگیرد. ما کارگران باید در پیشاپیش مردم آزاده دنیا پرچم جبهه سوم، جبهه جهان متمدن، در جنگ بین دو قطب تروریستی را برافرازیم! بگذار روز اول مه امسال روز قدرتمانی این جبهه سوم، روز بمیدان آمدن صف کارگران و مردم متمدن دنیا در برابر توحش سرمایه داری باشد.

### کارگران، مردم آزاده ایران!

جمهوری اسلامی میخواهد در پوشش خطر حمله نظامی و مقابله با شیطان بزرگ جامعه را مرعوب کند

## اول ماه مه متفاوت

### منصور ترکاشوند - ایران

و باقی اقتدار اجتماعی پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است. حتی به کمک همه ادیان و همه ارواح جهان بی روح، با این نا توانی و عجز در حل مشکلات اجتماعی نمی شود بیش از این در قدرت ماند. بازی مرگ، به عنوان تنها راه ایجاد وحدت در صفوف بشدت متشتت جنبش ملی - اسلامی و سر کوب انقلابی که در چشم انداز جامعه ایران قرار دارد، انتخاب اجباری استراتژیستهای اسلام سیاسی است.

جمهوری اسلامی خوب متوجه شده است که با توسل به بهانه هایی مثل تفاوت حقوق بشر در اسلام با جهان غرب و تعرض به حقوق زنان و بازیهایی از این قبیل مردم را بیشتر عاصی خواهد کرد. از نظر جمهوری اسلامی، بازی "تکنولوژی هسته ای

و مبارزات شما را در هم بکوبد. به حکومت این اجازه را ندهیم. در اول مه امسال بر مطالبات برحق و انسانی خود پافشاری کنیم. با صدای بلند اعلام کنیم که ما آزادی و رفاه میخواهیم نه بمب و انرژی هسته ای! اعلام کنیم که پروژه هسته ای و تهدیدات نظامی هر دو باید فوراً متوقف شود. اعلام کنیم که راه ما مردم از این کشاکش میان قطبهای تروریستی و دولتهای سرمایه داری جداست. امروز چشم جهانیان به ما کارگران و زنان و جوانان ایران دوخته شده است! اعتراض و مبارزه ما برای دستیابی به حقوق و مطالبات انسانی و بر حقمان راه حل واقعی و انسانی و متمدنانه رهائی مردم جهان از وضعیت سیاهی است که جنگ تروریستها بر دنیا حاکم کرده است. اول مه امسال روز اعتراض و تعرض کارگران و مردم آزاده جهان به دنیای سیاه سرمایه داری معاصر است. با پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم به پیشواز اول مه برویم!

### زنده باد اول مه، زنده باد سوسیالیسم!

### حمید تقوائی

### دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۴ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۲۴ آوریل ۲۰۰۶

حق مسلم ما "می تواند روحیه عصیانگر مردم علیه خودش را قیچی بزند و بخشی از اپوزیسیون" فقط سرنگونی طلب "را هم عملاً پاسیو کند. میتوان دید که در خواسته های این بخش از اپوزیسیون، عملاً خواست سرنگونی هم حذف شده است.

استراتژیستهای جمهوری اسلامی، ولی فقیه و لاریجانی و رفسنجانی و علمای حوزه و ... شبانه روز برای کوییدن به "جنگ سرد" کار کرده اند. به خاطر بیاورید که بعد از سکوت محضشان در پانزده روز اول تهاجم نظامی آمریکا به عراق و سفر یک مقام بلند پایه انگلیسی به ایران - اسمش را به خاطر ندارم - عملاً بر طبل "جنگ سرد" به عنوان تنها راه نجات کوییدند و این بازی سیاسی را با دخالت در مناطقی از عراق شروع کردند و با "حق دستیابی به تکنولوژی هسته ای" به اوج رساندند

## اطلاعیه پایانی کنگره اول منصور حکمت

روزهای ۱۴ و ۱۵ آوریل اولین کنگره منصور حکمت در گوتنبرگ سوئد برگزار شد. هدف این کنگره بررسی دیدگاهها و نقطه نظرات و درافزوده های او به مارکسیسم بود. کنگره شامل نه سخنرانی و دو پانل و نمایش ویدئویی دو سخنرانی منصور حکمت بود.

روز اول کنگره با سخنرانی افتتاحیه آذر ماجدی برگزار کننده و مسئول بنیاد منصور حکمت آغاز شد. آذر ماجدی پیرامون هدف کنگره و جایگاه سیاسی و نظری منصور حکمت در جنبش مارکسیستی و کمونیستی اشاره کرد. در ادامه حمید تقوائی در باره ویژگیهای مارکسیسم منصور حکمت، مینا احدی در باره "مسئله زن، بررسی پاسخ منصور حکمت"، فرزاد ادیبی در باره "اومانیزم و مدرنیسم منصور حکمت"، و سیاوش دانشور در باره نگرش منصور حکمت و کمونیسم کارگری پیرامون "حزب، فرد، هنر و سیاست" سخنرانی کردند. ویدئوی سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن در سمینار دوم مبنای کمونیسم کارگری بخشی دیگر از برنامه روز اول کنگره بود. قسمت پایانی کنگره پانل و سوال و جواب پیرامون سخنرانیها، منصور حکمت؛ سیاسی، تئوریک و شخصی بود. در این پانل آذر ماجدی، حمید تقوائی، علی جوادی، مینا احدی، فرزاد ادیبی و سیاوش دانشور شرکت داشتند.

روز دوم کنگره با سخنرانی منصور حکمت، اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه حزب، در کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران آغاز شد. در ادامه علی جوادی در باره "تفاوتهای منصور حکمت"، شهلا دانشفر در باره "منصور حکمت و جنبش کارگری"، هما ارجمند در باره گران و مردمی است که در صحنه سیاسی حاضر میشوند. اول ماه مه، با حضور قدرتمند کارگران و دانشجویان برابری طلب، زنان و مردان آزادیخواه نباید اجازه داد این "جنگ سرد" جمهوری اسلامی با قطب تروریستی آمریکا به صحنه خونین جنگ گرم تبدیل شود که استراتژیستهای جمهوری اسلامی حیات سیاسی نظامشان را به آن پیوند زده اند. \*

و عملاً این "جنگ سرد" دارد به جنگ گرم تبدیل میشود.

اول ماه مه می تواند به مانعی برای استفاده سیاسی جمهوری اسلامی از سالها تلاش برای راه انداختن این "جنگ سرد" و تبدیل آن به جنگ گرم شود. در اول مه باید نشان داد که همه هیاهوی هسته ای و بازی های سیاسی اطراف آن، حداقل از سوی قطب تروریستی جمهوری اسلامی راه نجات از تعرض کار

### بنیاد منصور حکمت

آوریل ۲۰۰۶

گران و مردمی است که در صحنه سیاسی حاضر میشوند. اول ماه مه، با حضور قدرتمند کارگران و دانشجویان برابری طلب، زنان و مردان آزادیخواه نباید اجازه داد این "جنگ سرد" جمهوری اسلامی با قطب تروریستی آمریکا به صحنه خونین جنگ گرم تبدیل شود که استراتژیستهای جمهوری اسلامی حیات سیاسی نظامشان را به آن پیوند زده اند. \*

## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



### اختلاف بر سر تعریف جای مرغوب برای زنان

گزارش شده است که میان "علمای حوزه علمیه" و احمدی نژاد در مورد حضور تماشاگران زن در استادیومهای ورزشی اختلافی پیش آمده است. احمدی نژاد در نامه ای به مقامات ورزشی گفته بود که به خانواده ها و بانوان جایی "مرغوب" (به زبان غیر بازاری یعنی جدا از دید مردان!) برای تماشای مسابقات داده شود. آیت الله های اسلامی از جمله لنکرانی و جوادی تبریزی و ناصر مکارم و شماری از نمایندگان مجلس اسلامی در اینکه جایی مرغوب باید به زنان داده شود مشکلی ندارند اما در اینکه چه جایی مرغوب تر است با احمدی نژاد اختلاف دارند. این حضرات به احمدی نژاد گفته اند هیچ جایی برای زنان مرغوب تر از کنج خانه و پشت دیوار نیست، و اینکه فقط نگاه مردان به زنان حرام نیست. نگاه زنان به بدن مردان حتی "اگر از سر شهوات جنسی نباشد" نیز حرام است. ملایمتر هاشان گفته اند که فقط خانواده ها میتوانند شرکت کنند اما دختران بی شوهر حق شرکت ندارند! روشن است که اختلافی وجود دارد! اما باید مواظب بود که جریاناتی که حرفه سیاسی شان پیدا کردن شکاف و اختلاف در میان آخوندها و مستقر شدن در شکافهاست زیادی این شکاف را جدی نگیرند و برای طرفداری از احمدی نژاد در مقابل لنکرانی و مصباح و غیره شال و کلاه نکنند! بحث در واقع همان بحث مشهور "شکاف نسلها" یا بعبارت دیگر مشکل سن و سال و ضعف و قوت بینایی است! اختلاف اینست که فسیلهای حرفت حوزه علمیه پنج سانتیمتری کتابهای احادیث و توضیح المسائلشان را نمیتوانند ببینند و در نتیجه از دیدن فشار یک جنبش و اعتراض واقعی و مدرن که در جامعه جریان دارد و هرروز از جایی بیرون میزند، عاجزند. در نتیجه یکی از آنها به احمدی نژاد گفته است "چیزی که مساله نیست را چرا مساله کنیم". اما احمدی نژاد هم جوانتر است و هم در بالاترین مقام اجرایی حکومت اسلامی قرار گرفته

است و مزه این فشار را هرروز دارد میچشد و لمس میکند. وگرنه ایشان هم يك آخوند غیر معمم و یادوی باوفای همان کرگندهای حوزه کذایی علمیه است. کاری که ایشان خواهد کرد بهیچوجه جدا کردن راهش از جماعت فقها نیست. بلکه رفتن به دست بوسی و پابوسی آنهاست و توضیح متواضعانه این واقعیت که اگر کمی کوتاه نیایم، این موجی که براه افتاده است از تانک و تانک نشان چیزی باقی نخواهد گذاشت.

جالب است که سیاست "دادن جای مرغوب به زنان" همزمان با گسیل "گشتهای ارشاد" به خیابانها و تهاجم به زنان و دختران "بدحجاب" یعنی زنان و دخترانی که هرروز مقررات اسلامی حکومت را جلوی چشم حضرات لگد مال میکنند، در پیش گرفته شده است. سران حکومت اسلامی نشسته اند و سیاستشان را برای تهاجم به زنان تصویب کرده اند، نیروهایشان را تحت نام "گشت ارشاد" سازمان داده اند و به خیابانها گسیل کرده اند، اما واقعیت زمینی تر یعنی همان جنبش زنده زنان و مردان آزادی طلب باعث شده است که قداره بند حکومت به تقلائی این بیفتند که با باز کردن در ورزشگاهها به روی زنان و دختران و دادن جایی در حاشیه استادیوم به آنها، فضا را آرام نگه دارد!.. شما خود حدیث مفصل را ازین مجمل بخوانید.

### مساله اتمی جمهوری اسلامی و مهلت شورای امنیت

مهلت شورای امنیت سازمان ملل به جمهوری اسلامی برای معلق کردن پروژۀ غنی سازی اتمیش روز جمعه ۲۸ آوریل (برابر ۸ اردیبهشت) پایان می یابد. يك روز قبل از این یعنی همین پنجشنبه وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان نظامی ناتو در صوفیه پایتخت بلغارستان کنفرانس دوروزی ای را برگزار میکنند و با اینکه رسماً موضوع ایران در دستور این کنفرانس نیست اما گفته میشود که موضوع مهم مورد بحث میان وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو ایجاد تفاهم و توافق بر سر نحوه برخورد به جمهوری اسلامی است. "پاپ دوووپ اسکفر" دبیر کل ناتو در همین رابطه به خبرنگاران گفت

"مساله جمهوری اسلامی مساله ای است که با سیاست ها و سیاستگذاری های ناتو ارتباطی الزامی دارد". از سوی دیگر "سازمان امنیت ترکیه" که بلند پایه ترین سازمان نظامی ترکیه است و اعضای آنرا رئیس جمهور و فرماندهان نظامی ارشد ارتش تشکیل میدهند روز پنجشنبه ۲۷ آوریل جلسه ای اضطراری تشکیل داد که موضوع آن بررسی استراتژی برخورد با جمهوری اسلامی بود. در همین حال حکومت آذربایجان که هم مرز با ایران است اعلام کرده است که در حمله نظامی علیه ایران شرکت نخواهد کرد. این مجموعه با خبرهای متعدد دیگری که از رفت و آمدهای دیپلماتیک و سخنان سران حکومت آمریکا منتشر میشود، آشکارا بوی جنگ میدهد. قطعاً مقداری جنگ روانی نیز چاشنی خبرها هست. اما جنگ روانی نیز بازنده و برنده ای دارد و معمولاً جنگهای روانی وقتی که جدی تر شوند به جنگ واقعی نظامی منجر خواهند شد. در این میان جمهوری اسلامی روی بلوف کودکانه "خبرخوش" دستیابی به ظرفیت غنی سازی اورانیوم حساب باز کرده است و با این بلوف و محاسبه اختلاف در میان اعضای شورای امنیت، به ماجراجویی خود ادامه میدهد. روز گذشته خامنه ای تهدید بکارگرفتن تروریسم اسلامی علیه منافع آمریکا را نیز مورد استفاده قرار داد و گفت اگر آمریکا به ایران حمله کند منافعتش در تمام جهان به خطر خواهد افتاد.

آنچه مسلم است روندی که بحران اتمی جمهوری اسلامی به خود گرفته دیگر قابل بازگشت به نقطه اول نیست. این کشاکش باید به سرانجامی برسد و سرانجام آن اگر با سناریوی مورد نظر حکومت آمریکا یا سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی یعنی تسلیم و شکست غرب در برابر حکومت اسلامی (که بسیار غیر محتمل است) پیش رود در هر دو حالت برای مردم فاجعه بار خواهد بود. تنها نقطه امید وجود يك جنبش زنده سرنگونی طلبی و مردمی در ایران است که میتواند کل این سناریو ها را نقش بر آب کند و بحران موجود را به نحو دیگری به سرانجام برساند که منطبق با طرحهای ضد انسانی هیچکدام از این دو طرف نباشد. به میدان آمدن گسترده نیروی سوم یعنی نیروی میلیونی مردم بجان آمده ایران برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و

### اطلاعیه برگزاری جلسه

#### کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

جلسه کمیته خارج با شرکت اکثریت اعضا و مشاورین روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۶ و ۱۷ آوریل در جوار پلنوم کمیته مرکزی حزب برگزار شد. گزارش فعالیت تشکیلات خارج و بحث و تبادل نظر پیرامون جنبه های مختلف آن، موضوع اصلی جلسه بود.

کمیته در مباحث خود برای دور آتی فعالیت تشکیلات خارج بر دو محور تاکید گذاشت: ۱- حضور فعال در رابطه با کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی با تکیه

بر سیاست، پلاتنفرم و نقشه عمل حزب در این مورد و ۲- مستحکم تر نمودن سازمان حزب در خارج کشور با تکیه بر دو قرار پایه ای ناظر بر کارکرد کمیته های حزبی و مقررات مربوط به کادرها.

در پایان خلیل کیوان به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته خارج مجدداً انتخاب شد.

#### تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ آوریل ۲۰۰۶

### کمک مالی به حزب

#### اسپانسر های ماهانه (فنلاند)

۱۰۰ یورو  
۵۰ یورو

عمر معروفی  
عبدل گلپریان

بدرست گرفتن اوضاع بدست خود، و مقابله با دخالت و نظامیگری غرب و حکومت آمریکا، تنها نقطه امید در شرایط کنونی است که حمایت فعال میلیونها نفر مردم شریف جهان را با خود خواهد داشت. هیچ تردیدی نباید داشت که یا این نیروی سوم حرف آخر را در این کشاکش به کرسی خواهد نشاند و یا بشریت فاجعه ای دیگر و سناریویی تلخ را تجربه خواهد کرد.

### "خانه کارگرها" و حمایت از کارگران شرکت واحد

#### "از من در مورد چه گوارا بپرسید!"

محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی روز دوم اردیبهشت ماه در گفتگویی با خبرنگار سایت "ایلنا" گفت: "با وجود اینکه کارگران شرکت واحد بنا به خواست سندیکای شرکت واحد تجمع و تحصن کرده بودند اما خانه کارگر حقوق آنها و رسیدگی به وضعیت شان را تا آخر پیگیری خواهد کرد". و بعد میگوید "در گذشته ما را ضد سندیکا خطاب میکردند و اشکالی ندارد که ازین بعد ما را سندیکایی خطاب کنند!" برای اینکه بدانید این چقدر به معنای "غسلت کردم" توسط خانه کارگرهاست باید بیاید بباورید که ایشان همان کسی هستند که چاقو کشیدن صادقی رئیس کانون کذایی شوراهای اسلامی به گردن اسانلو را تایید کرده اند و کارگران شرکت واحد

را اراذل و اوباش نامیدند. چه شده است که محبوب اکنون حامی کارگران شرکت واحد شده است؟ دلایل آنرا باید در پیشروی جنبش کارگری و بویژه محبوبیت کارگران شرکت واحد دید. بویژه سه روز دیگر اول مه است و ایشان نگرانند که کارگران در سراسر ایران بر خواست کارگران شرکت واحد یعنی انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگر تاکید کنند و الزجار خود از شوراهای اسلامی و خانه کارگر را علناً ابراز کنند. اینجاست که ایشان با دستپاچگی مصاحبه ای با سایت کارگری خود ترتیب داده است تا بگوید ما دیگر دشمن کارگران شرکت واحد نیستیم! اینکه میگوید به ما بگویید سندیکایی ها هم نکته جالبی است. بیاد می آورم که یکی دو سال قبل از انقلاب ۵۷ هویدا به دانشگاه تهران رفته بود و کنفرانسی گذاشته بود و دانشجویان معلوم الحال نیز به کنفرانش دعوت شده بودند و سوالهای معمولی را که از مقامات حکومت پهلوی میشد کرد با او طرح کردند. بعد از یکی دو سوال هویدا يك مرتبه از کوره در رفت و گفت "این سولات چیست که از من میکنید؟ از من در مورد چه گوارا بپرسید؟! هویدا اینگونه به قدرت چپ در دانشگاه اعتراف میکرد و محبوب هم در آستانه اول مه با گفتن این که به ما از این ببعد بگویید "سندیکایی ها" به قدرت چپ و کارگران در برابر رژیمش اعتراف میکند.\*